

# سایه مطبوعات داخل کشور بر سر نشریات مهاجرت!

\* بزرگ ترین مطبوعات خبری و نشریات وابسته به احزاب و سازمان های سیاسی مهاجر، بتدریج، به بولتن های بازانتشار اخبار، گزارش ها و مقالات مطبوعات داخل کشور تبدیل می شوند.

\* استقبال مردم از روزنامه های جدیدی، نظیر "جامعه" که سد سانسور را شکسته اند، ادامه حیات مطبوعات طرفدار سرکوب، سانسور و ارتجاع را ناممکن می سازد.

در ایران، مطبوعات به آینه تار جنبش آزادیخواهی و ارتجاع ستیزی مردم ایران تبدیل شده اند. این آینه تار است، زیرا هنوز غبار بسیاری باید از آن زدوده شود، تا تمامی جنبش مردم در آن انعکاس یابد. آنچه را مردم می پسندند و آنچه را مردم طرد و رد می کنند، در تیراژ مطبوعات و استقبالی که از آنها می کنند و یا نمی کنند، منعکس است.

زمره آشکار، ضرورت ایستادن مطبوعات روی پای خودشان و برداشته شدن دست حمایت دولت و نهادهای وابسته به حاکمیت از پشت مطبوعات، باید گامی شود در جهت غبار رویی بیشتر از این آینه. بسیاری از مطبوعات جنجالی و روزنامه هائی که نان را به نرخ بازار و ارتجاع می خورند تا به حیاتشان ادامه دهند، نگران طرح هائی هستند که در این زمره ها به آنها اشاره می شود. در این صورت، مطبوعات و بویژه روزنامه های ایران، چاره ای جز بالا بردن تیراژ خود نخواهند داشت، زیرا قیمت و میزان آگهی های تجاری وابستگی مستقیم به تیراژ دارد. فروش نشریات و استقبال مردم از آنها نیز، در گرو انعکاس آن اخباری است که مردم خود با چشم خویش شاهد آنها هستند و یا دهان به دهان آترا بازگو می کنند. بر مبنای همین واقعیت است، که امروز، حتی روزنامه هائی نظیر کیهان و جمهوری اسلامی نیز، برای جلب خواننده و جلوگیری از سقوط بیشتر تیراژ و فروششان، چاره ای جز انعکاس برخی اخبار، گرچه با تحریف و افزودن تفسیرهای مسموم کننده بر آنها، ندارند! بدین ترتیب است، که اکنون در ایران، کارزاری رو به تشدید در میان مطبوعات ایران جریان دارد، که باید کوشید آترا هر چه بیشتر به رقابتی در جهت همسویی و همگامی با جنبش مردم تبدیل ساخت.

با ورود چند نشریه و روزنامه جدید به جمع مطبوعات داخل کشور، که تاریخ تولد آنها به ماه های پس از انتخابات ریاست جمهوری بازمی گردد، فزونی یافتن جسارت برخی هفته نامه ها و ماهنامه های غیر حکومتی برای پرداختن به مسائل جاری کشور، رو در روی انجمن صنفی مطبوعات ایران با قوه قضائیه، برپائی چند دادگاه مطبوعاتی که پرونده سازان و وابستگان ارتجاع و بازار در آن ها مغلوب شدند، بازتاب رو به گسترش مطالب مطبوعات داخل کشور در رادیوهای فارسی زبان (بویژه بخش فارسی دو رادیوی فرانسه و بی بی سی) و... همگی به مطبوعات ایران هویتی نوین بخشیده است. این وضع به گونه ایست، که در ماه های پس از انتخابات ریاست جمهوری، بخش بزرگی از صفحات روزنامه های چاپ خارج از کشور، مانند کیهان، نیروز، و حتی مطبوعات حزبی و سازمانی، نظیر "کار"، ارگان سازمان اکثریت به انعکاس اخبار، گزارش ها و تفسیرهای منتشره در مطبوعات داخل کشور اختصاص یافته است. البته، در میان این نشریات، کیهان چاپ لندن، تلاش دارد تا با حذف منبع اخبار و گزارش هائی که از مطبوعات داخل کشور گرفته و در صفحات و ستون های مختلف خود منتشر می کند، همچنان به زوی خود نیآورد، که مطبوعات خارج از کشور بتدریج و در صورت ادامه و تعمیق آزادی مطبوعات در داخل کشور - حداقل در بخش خبر و گزارش - نقشی فراتر از بولتن خلاصه اخبار و گزارش های مطبوعات داخل کشور را نخواهند داشت!

این موقعتیت، بی شک نشریات وابسته به سازمان ها و احزاب سیاسی را نیز شامل خواهد شد، و بدین ترتیب آنچه به عنوان هویت، از نشریات خارج از کشور باقی میماند (جدا از بخش متوسط به فعالیت های مهاجرین و ترجمه برخی مقالات مطبوعات اروپائی و امریکائی)، همان نگرش و تحلیل و تفسیری است که پیرامون اوضاع ایران ارائه داده و درجه همسویی و هماهنگی است که با جنبش مردم در داخل کشور، از خود نشان می دهند.

بیم و هراس از موضع گیری پیرامون رویدادهای ایران و اعلام نظر پیرامون شکل و نحوه مبارزه مردم با حاکمیت. \* بی شک در آینده، سیر نزولی استقبال مهاجرین از مطبوعات مهاجرت را تشدید خواهد کرد. مطبوعات مهاجرت، در صورت گسترش باز هم بیشتر فضای سیاسی در ایران و آزادی مطبوعات در داخل کشور، کدام رسالت را برعهده خواهند داشت؟ این سئوالی است که اگر پاسخ آن دیروز جستجو می شد، بهتر از امروز بود، اما اگر امروز نیز به این جستجو بهای لازم داده نشود، معلوم نیز چنین فرصتی را بتوان فردا نیز در اختیار داشت!

این گام نیمه راهی بود، که یکبار (نزدیک به سه سال پیش) نشریه "کار"، ارگان سازمان فدائیان اکثریت، با چاپ فراخوانی در همین محدوده برداشت و برای نظرخواهی نیز سئوالاتی را طرح کرد، اما کار از این مرز فراتر نرفت!

\* آخرین نمونه فلج سیاسی - مطبوعاتی در مهاجرت، سکوت همگانی پیرامون انتخابات میان دوره ای مجلس اسلامی، در مطبوعات مهاجرت بود. همه منتظر سرانجام کار شدند، تا بعدا نظر بدهند!! وضعیتی که هم اکنون و طی ماههای گذشته، همه این مطبوعات در برابر انتخابات مجلس خبرگان رهبری از خود نشان داده و می دهند!

با توجه به آنچه در بالا به آن اشاره شد، مروری فهرست وار، بر موقعتیت کنونی مطبوعات ایران، شاید ضرورت جستجوی هویتی نوین برای مطبوعات چاپ خارج کشور - بویژه ارگان های رسمی و غیر رسمی دو اپوزیسیون راست و چپ - را بیش از گذشته در دستور اندیشه و تصمیم قرار دهد. بویژه آنکه بزودی نمایشگاه مطبوعات در تهران برپا می شود. نمایشگاهی که در تمام سال های گذشته، با کارشکنی وزارت ارشاد اسلامی، سران حکومت و ارتجاع و بازار روبرو بوده است. سال گذشته، این نمایشگاه به صحنه بزرگترین بحث ها و رایزنی ها پیرامون انتخابات ریاست جمهوری، تبدیل شد و صف های طولیل جوانان در برابر محل روزنامه سلام و نشریه عصرما، ایران فردا و... تمایل و قدرتی را، که جنبش مردم برای درهم شکستن سدهای سانسور مطبوعات به حکومت وارد می آورد، به نمایش گذاشت. (گزارش مربوط به نمایشگاه سال گذشته مطبوعات، همان زمان در "راه توده" منتشر شد)

## روزنامه ها

روزنامه همشهری، که در میان روزنامه های رسمی کشور، نخستین گام ها را دو سال پیش برای انعکاس برخی اخبار ممنوعه برداشت، همچنان پرفروش ترین روزنامه ایران است. تیراژ آن را فراتر از ۳۵۰ هزار تخمین می زنند؛ بویژه در روزهایی که اشاره به اخبار ممنوعه برخی رویدادها دارد. همشهری را، با آنکه شهرداری تهران منتشر می کند، نوعی سخننگوی "کارگزاران سازندگی" می شناسند، و این در حالی است که همشهری مشخصه های یک روزنامه ارگان را ندارد. موضع گیری هائی متفاوت با روزنامه های وابسته به ارتجاع هویت اصلی همشهری است، اما این هنوز فاصله بسیاری با مواضع روشنی دارد، که یک گروه و سازمان سیاسی پیرامون تمامی مسائل باید داشته باشد. ساده نویسی و آسان پسندی، شناسنامه کیفیتی همشهری است. همشهری چهار رنگ، اما با کیفیت نازل فنی منتشر می شود.

روزنامه "جامعه"، از جمله چند روزنامه جدیدی است، که پس از انتخابات ریاست جمهوری پا به عرصه مطبوعات ایران گذاشته است. روزانه و با بهترین کیفیت فنی و بصورت چهار رنگ چاپ می شود. با آنکه زمان انتشار "جامعه" به یک فصل سال هم نمی رسد، در حال حاضر با تیراژی نزدیک به ۲۸۰ هزار، پس از همشهری، نه تنها پرتیراژترین، بلکه مطرح ترین روزنامه ایران است. تردیدی نیست، که اگر شبکه توزیع روزنامه ها و مطبوعات در شهرستان ها، از کارشکنی های ارتجاع مذهبی و بازاری ها در امان بماند، این تیراژ سرعت بالاتر خواهد رفت. بازترین مشخص "جامعه"، جسارت محتاطانه آن برای انتشار اخبار ممنوعه، برخی گفتگوها و گزارش هاست. انتشار عکس

خواهد شد. امری که جنبش مردم، رقابت های سیاسی، نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و یک سلسله عوامل دیگر آنرا تحمیل می کند.

**رسالت**، از جمله کم تیراژترین روزنامه های جمهوری اسلامی است، که با یاری مالی بازار، کمیته امداد امام، بودجه محزمانه آستان قدس رضوی، یاری مالی بنیاد مستضعفان، آگهی های دولتی (بویژه اسناد و املاک، احضاریه ها و احکام ابلاغی دادگستری و دادگاه ها) به حیات خود برای ستیز با جنبش مردم ادامه می دهد. نازل ترین شیوه های نگارش و روزنامه نگاری، بعد از نشریه "شما" را در روزنامه "رسالت" باید جستجو کرد! تنها اعتباری، که مطالعه "رسالت" را گریز ناپذیر می کند، همانا آگاهی از اندیشه ها، نحوه مخالفت ها و ستیز روحانیون وابسته به جناح راست علیه جنبش مردم و جنبش نواندیشی مذهبی است.

**کیهان**، زیر نظر "حسن شریعتمدار"، مسئول ایدئولوژیک زندان اوین در سال هانی که به قتل عام زندانیان سیاسی انجامید، منتشر می شود. اغلب کادرهای غیر حرفه ای روزنامه کیهان، که امور اصلی را در اختیار دارند، از میان همان جمعی انتخاب شده و استخدام شده اند، که همراه شریعتمدار، به زور شلاق و شکنجه، زندانیان را مسلمان کرده و به نماز وای می داشتند. تواب سازی، بزرگ ترین هنر آنها در این دوران بوده است. بنابراین سوابق و پیوندی که همچنان برقرار مانده، کیهان سخنگوی بخشی از نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات و امنیت و سازمان زندانهای کشور است. از آنجا که یک سر انصار حزب الله و گروه های فشار نیز به سازمان زندانها وصل است، کیهان بلندگوی این گروه ها نیز هست!

خط حاکم بر کیهان، همان خطی است که بر تلویزیون جمهوری اسلامی، زیر نظر "علی لاریجانی" حاکم است. ستیز با ملیون، هنرمندان، فرهنگیان، روشنفکران، چپ مذهبی و غیر مذهبی، احزاب، کانون ها و ... وظیفه ایست که برعهده کیهان است. کیهان علیرغم سابقه و امکان فنی عظیمی که در اختیار دارد، یکی از کم تیراژترین روزنامه های داخل کشور شده است.

این روزنامه نیز مانند روزنامه اطلاعات، هنوز بنا بر تصمیمی که در ابتدای پیروزی انقلاب گرفته شد، زیر نظر نماینده ولی فقیه منتشر می شود. بودجه و هزینه کیهان، نه از راه فروش و آگهی ها، بلکه عمدتاً از طریق کمک های مالی دفتر ولی فقیه و همان منابع مالی که رسالت را حمایت می کنند، تامین می شود. حتی بنابر همین ملاحظات نیز، در صورت برچیده شدن سازمان های موازی دولتی که از ابتدای پیروزی انقلاب شکل گرفته و هنوز به حیات خود ادامه می دهند و قرار گرفتن آنها در اختیار دولت و یا زیر نظارت علنی مردم، وضع این نشریات تا حد ورشکستگی دچار اختلال خواهد شد. بختی که اکنون درباره سه کانون بزرگ اقتصادی بنیاد مستضعفان، کمیته امداد و آستان قدس رضوی جریان دارد، حتی به همین دلیل نیز با مخالفت سرسختانه کیهان و رسالت و ... روبرو شده است. مخالفتی که در صورت ادامه روند موجود در جمهوری اسلامی و تسلط قانون بر بی قانونی حاکم، در هم کوبیده خواهد شد.

**روزنامه اطلاعات**، موقعیتی متعادل تر از روزنامه کیهان دارد. حضور حجت الاسلام دعائی در اطلاعات، بعنوان نماینده رهبری و سرپرست اطلاعات، در این تعادل نقش داشته است. روزنامه اطلاعات، در این دوران توانسته است، فاصله خود را از خط مشی کیهان حفظ کرده و به این دلیل برای خود پایگاهی در میان مردم حفظ کند. این اعتبار، با نوشته های حجت اسلام دیگری، بنام "حجتی کرمانی"، بعنوان نویسنده ثابت در اطلاعات، استوارتر شده است. اگر اطلاعات را، در سرانجام و نهایت خود، سخنگوی آن بخش از روحانیون از قدرت کنار گذاشته شده به حساب آوریم که در زمان آیت الله خمینی مصدر امور بوده اند، شاید تصویری نزدیک به واقعیت را ارائه داده باشیم. مخالفت تلویحی اطلاعات با نیروهای فشار، روحانیون مرتجع، بازاری های قدرتمند در جمهوری اسلامی و یک سلسله از همین ملاحظات، شناسنامه روزنامه اطلاعات، در حال حاضر است.

موسسه اطلاعات، یک نشریه خارج از کشور نیز با نام "اطلاعات بین المللی" منتشر می کند. تداوم انتشار اطلاعات بین المللی، سرانجام کیهان جوانی را چنان از اعتبار ساقط کرده است، که اکنون کیهان هوانی بیش از آنکه در خارج کشور توزیع شود، در داخل کشور توزیع می شود! "سلیمی نمین"، یکی از معاونان حجت الاسلام ریشهری در زمان تصدی وی بر وزارت اطلاعات و امنیت، سردبیری و مدیریت کیهان هوانی را سال ها برعهده داشت. سلیمی نمین اکنون، نه تنها در شورای مرکزی "جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب" حضور دارد، بلکه در کار انتشار نشریه "ارزش ها"، ارگان این جمعیت نیز سهم دارد. استعفا او از سردبیری کیهان هوانی (در آخرین روز سال ۷۶) را در تهران، نوعی اعتراض به ادامه سیاست های حسن شریعتمداری در مخالفت با دولت خاتمی و حمایت از گروه های فشار ارزیابی کرده اند. اگر آن خط مشی و روشی

سه ستونی عزت الله سبحانی هنگام دفاع از خویش در دادگاه مطبوعات، در صفحه اول جامعه، مصاحبه و انتشار عکس رنگی دکتر ابراهیم یزدی، مصاحبه با فرج سرکوهی و سرانجام مصاحبه مشروح و خواندنی "جامعه" با "محسن رفیق دوست"، سرپرست بنیاد مستضعفان، همگی نشانه های فصل جدیدی در تاریخ مطبوعات جمهوری اسلامی است. سردبیر "جامعه"، پیش از انتشار وعده داده بود، که "جامعه" را متکی به حرفه و علم روزنامه نویسی منتشر خواهد کرد و ظاهراً نیز، تاکنون چنین کرده است. تالیفات عظیم فنی و امکانات ساختمانی "جامعه" حکایت از تدارکی دراز مدت برای انتشار آن دارد. گرایش "جامعه" به روشنگران مذهبی، در حال حاضر بارزترین مشخصه آن است. مشخصه ای که طیفی از چپ مذهبی تا نهضت آزادی را دربر گرفته است. برخی از کادرهای ماهنامه "کیان" با روزنامه "جامعه" همکاری دارند. رشد سریع تیراژ روزنامه "جامعه" یکبار دیگر نشان داد، که در صورت لغو سانسور و انعکاس اخبار واقعی، تیراژ مطبوعات می تواند با چه سرعتی رشد کند.

**روزنامه "فردا"**، به مدیریت "احمد توکلی" وزیر جنرال برانگیز وزارت کار و از چهره های شناخته شده جناح راست مذهبی منتشر شده است. با آنکه در ابتدا تصور بر این بود، که "فردا" روزنامه ای مکمل "رسالت" و یا چیزی میان "شلمچه" و "رسالت" و "جمهوری اسلامی" خواهد بود، اما حیات چند ماهه "فردا" نشان داده است، که احمد توکلی زودتر از حسن شریعتمدار (سرپرست کیهان) و مرتضی نبوی (مدیرمسئول و همه کاره "رسالت") متوجه ضرورت داشتن خواننده و تیراژ شده است. همین درک واقعیت، به احمد توکلی، که پس از یک دوره تحصیلات چند ساله در انگلستان، به کشور بازگشته، امکان داده است، تا روزنامه ای مطرح در میان دیگر مطبوعات کشور منتشر کند. علاوه بر نقطه نظرات سیاسی و اقتصادی که در "فردا" انعکاس می یابد، جسارت در انتشار اخبار مربوط به کارزار نجات آیت الله منتظری از زندانی که برای او در خانه اش ایجاد کرده اند، انعکاس نظرات مخالفان دولت خاتمی در کنار موافقان او، می رود تا از "فردا" و احمد توکلی شناخت و موقعیت جدیدی را بدست دهد. موقعیتی که در صورت تبدیل بخشی از روحانیت مبارز تهران به حزب سیاسی، نمود آشکاری به خود خواهد گرفت. در حال حاضر، این روزنامه را می توان بلندگوی نقطه نظرات آن بخش از جناح راست مذهبی و روحانیت مبارز تهران دانست، که پس از ضربه تاریخی در انتخابات دوم خرداد، بر تجدید نظر در مناسباتش با موتلفه اسلامی، بازار و گروه های حادثه آفرین پای می فشارد و احتمالاً خط سومی را در طیف راست مذهبی بوجود خواهد آورد. این درحالی است، که گفته می شود، هم جنبه ملی و هم نهضت آزادی ایران، هر دو تقاضا انتشار روزنامه ای، با نام هانی غیر از نام های قبلی کرده اند و این احتمال وجود دارد، که این روزنامه ها، بدون ذکر وابستگی حزبی، اجازه انتشار یابند. در این صورت، فصل جدیدی در مطبوعات حزبی کشور گشوده می شود.

در کنار این روزنامه ها، نشریات هفتگی نیز منتشر می شوند، که شکل و شمایل روزنامه را دارند. مهمترین و شناخته شده ترین این هفته نامه ها، "آبان" است، که گهگاه اشاره به برخی اخبار مربوط به احزاب قدیمی و غیر چپ ایران نیز می کند. در واقع، اکنون "آبان" یگانه نشریه ایست، که اخبار مربوط به فعالیت های محدود حزب ملت ایران، حزب زحمتکش، حزب مردم ایران و فعالیت های ملیون ایران می کند.

## روزنامه های قدیمی

ورود روزنامه های جدید به صحنه مطبوعات ایران، آن هم در دوران رو به اوج جنبش مردم، خواه ناخواه تاثیر خود را بر مطبوعات قدیمی نیز گذاشته است. شناسنامه این روزنامه ها، وابستگی به حکومت است، همانگونه که امکانات آنها حکومتی است. اما بهر حال، هر کدام گرایش هانی نیز دارند.

**روزنامه "رسالت"** بویژه پس از انتشار نشریه "شما"، بعنوان ارگان "موتلفه اسلامی"، اکنون نقش ارگان روحانیت مبارز تهران و شورای نگهبان را برعهده دارد، درحالی که وابستگی مالی آن به موتلفه اسلامی هنوز برقرار است و به همین دلیل حیثیت آیت الله عسگرآلادی، دبیرکل موتلفه اسلامی، خط دهی و دستور العمل های خود را، با تشریح بازاری و ابتدائی در این روزنامه و بصورت سرمقاله منتشر می کند! مخالفت کور با هر آنچه که دولت خاتمی می کند، در واقع همان خط و ربطی است که امتثال عسگرآلادی و آیت الله خزعلی، عضو جامعه روحانیت مبارز و عضو شورای نگهبان قانون اساسی دارند. فراکسیون وابسته به ارتجاع مذهبی، بازار و روحانیت مبارز در مجلس اسلامی نیز، رسالت را ارگان خود می دانند!

در صورت تبدیل روحانیت مبارز به حزب سیاسی و یا شکل گرفتن یک حزب سیاسی از درون آن و روشن تر شدن اختلاف نظرهای موجود در میان اعضای روحانیت مبارز و شورای نگهبان، تکلیف "رسالت" نیز روشن تر از امروز

# انتخابات میان دوره ای

## اشتباه مجمع روحانیون مبارز و نهضت آزادی

### سکوت احزاب و سازمانهای مهاجرت

شورای نگهبان قانون اساسی در جریان انتخابات میان دوره ای مجلس اسلامی، صلاحیت بسیاری از کاندیداهای انتخابات را، به سود کاندیداهای "موتلفه اسلامی" رد کرد. این دخالت مستقیم موج بزرگی را در داخل کشور علیه اختیارات خود به خویش بخشیده این شورا بوجود آورده است. شورای نگهبان، بویژه صلاحیت آن عده از کاندیداهای انتخابات میان دوره ای را رد کرد که نام و گذشته آنها در ارتباط با کابینه میرحسین موسوی برای مردم شناخته شده بود.

این انتخابات، بویژه در تهران با عدم استقبال مردم روبرو شد، که باید آن را نوعی مقابله مردم با شورای نگهبان به حساب آورد. از میان تمام کاندیداهای طیف کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز، دانشجویان دفتر تحکیم وحدت، مجاهدین انقلاب اسلامی (تمام تشکل های حامی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری) که نسبت به رد صلاحیتشان به شورای نگهبان و هیات نظارت تحت رهبری آن، شکایت کرده بودند، این شورا صلاحیت چند نفر را در به اصطلاح تجدید نظر دوباره تأیید کرد. از جمله فاطمه کروی (همسر حجت الاسلام کروی دبیر مجمع روحانیون مبارز)، علی مزروعی، صدیقیانی، داوود عسگری.

منطقی ترین و منطبق ترین سیاست برای مقابله با این دخالت شورای نگهبان در انتخابات و جنبه قطعی بخشیدن به ایستادگی متشکل در برابر آن، بنظر "راه توده"، همانا اعلام انصراف جمع دوباره تأیید شده توسط شورای نگهبان، برای شرکت در انتخابات و موکول کردن انتخابات میان دوره ای تا تعیین تکلیف شورای نگهبان بود. "راه توده" در اطلاعیه خود (۱۸ اسفند ۷۶)، بمناسبت انتخابات میان دوره ای، بر ضرورت حفظ اتحاد در طیف حامی محمد خاتمی در این مرحله از انتخابات تأکید کرد و با توجه به نفرت مردم از دخالت های شورای نگهبان در انتخابات، سانسور اخبار و تبلیغات انتخاباتی از تلویزیون حکومتی و تلاش شورای نگهبان برای نشان دادن عزم خود برای مقابله با جنبش مردم دو توصیه را، که خوانست مردم و حتی در جامعه مطرح بود، در اطلاعیه خود، بعنوان راه حل مقابله با شورای نگهبان پیشنهاد کرد. این اطلاعیه را بصورت ضمیمه این شماره راه توده می خوانید.

مجلس اسلامی، به پیشنهاد فراکسیون وابسته به ارتجاع و بازار طرح یک مرحله ای شدن انتخابات میان دوره ای مجلس را، بصورت فوری و با عطف به مسابق اعلام داشتن آن، تصویب کرد و نمایندگان این مرحله از انتخابات (بویژه در تهران ۱۰-۱۲ میلیونی) با چند ده هزار رای به مجلس برده شدند.

روزنامه های وابسته به بازندگان انتخابات ریاست جمهوری، بلافاصله حمله به مجمع روحانیون مبارز را شروع کردند و رای کم فاطمه کروی در تهران و حساب این مجمع از او را، عدم مشروعیت این مجمع اعلام داشتند. پیرامون توهمات مجمع روحانیون مبارز و امکانات بسیار محدودی که برای تماس و ارتباط با مردم دارد، و همچنین امکان عقب ماندن بسیاری از تشکل ها و سازمان ها از جنبش مردم و خواست های واقعی آن، ما در آینده بیشتر خواهیم نوشت. این دعوت مردم به شرکت در انتخابات و پشت کردن مردم به آن، عملاً به آن معنی بود، که محدوده خواست های جنبش را سازمان هائی از نوع مجمع روحانیون مبارز نمی توانست تعیین کنند، بلکه برعکس، این جنبش است که خواست های خود را به آنها تحمیل می کند. مجمع روحانیون مبارز، در ماه های پس از انتخابات ریاست جمهوری، علیرغم برخی موضع گیری های دیرباز آن، "حجت الاسلام کروی" در ماجرای شکنجه شهرداران، چند فرصت مهم را از دست داده است. نخستین و برجسته ترین آنها، ضرورت ورود به صحنه برای حمایت از آیت الله منتظری و محکوم ساختن صریح توطئه و یورش به او بود، و اینکه در همین مرحله با خروج از جنبه اعتراض عملی به شورای نگهبان و اعلام عدم صلاحیت اعضای این شورا و اعلام انصراف کاندیداهایش برای شرکت در انتخابات (بلکه کردن عملی انتخابات) گام مهم دیگری به عقب برداشت.

در میان سازمان های سیاسی داخل کشور، نهضت آزادی ایران نیز، مواضعی مشابه مجمع روحانیون مبارز اتخاذ کرد. نهضت آزادی نیز علیرغم رد صلاحیت کاندیداهایش، مردم را دعوت به شرکت در انتخابات کرد، در حالیکه دو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت دانشجویی، در یک سیاست تهاجمی، عدم شرکت خود را در انتخابات، بعنوان اعتراض به شورای نگهبان اعلام داشتند. در خارج از کشور، تمامی احزاب و سازمان های سیاسی، سکوت را بر موضع گیری ترجیح دادند، که این را می توان بیم و هراس از تکرار اشتباهات گذشته ارزیابی کرد. در واقع این طیف، از بیم تکرار اشتباه انتخابات ریاست جمهوری منتظر ماندند تا ببینند مردم چه می کنند تا بعداً بر آن تفسیر بنویسند! ظاهراً سکوت، یگانه درسی است که این طیف از نتیجه انتخابات ریاست جمهوری گرفته است!

که اکنون بر اطلاعات بین المللی حاکم است، سرانجام به خط مشی حاکم بر اطلاعات داخل کشور تبدیل شود، آنوقت می توان حدس زد که موقعیت اطلاعات محکم تر از امروز خواهد شد و در صورت برداشته شدن دست حمایت حاکمیت از پشت مطبوعات نیز به حیات خود ادامه خواهد داد. این در حالی است، که در حال حاضر رقابت با روزنامه هائی نظیر "جامعه"، "فردا" و حتی "همشهری" کار آسانی نیست.

روزنامه "جمهوری اسلامی"، خط و ربطی میان رسالت و کیهان دارد. بنابراین آنرا باید در کنار امکانات مطبوعاتی جناح راست و ارتجاع مذهبی قرار داد. امتیاز "جمهوری اسلامی" هنوز بنام "علی خامنه ای"، رهبر کنونی جمهوری اسلامی است و این ارضیه ایست که از حزب جمهوری اسلامی باقی مانده است! خط دهنده اصلی روزنامه جمهوری اسلامی، حجت الاسلام پرنفوذی بنام **مرعشی گلپایگانی** است، که نقش رئیس دفتر رهبری را ایفاء می کند. او نه تنها خود از جمع روحانیون جناح راست حکومتی است، بلکه نقش نماینده آنها را در دفتر خامنه ای نیز ایفاء می کند. نفر دومی که روزنامه جمهوری اسلامی منتظر دستور العمل های آن می ماند، علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه برکنار شده در دولت هاشمی رفسنجانی است. مرعشی گلپایگانی، به نیابت رهبری، در همه امور دخالت دارد، از جمله مراسم و جلسات رد صلاحیت ها در اجلاس شورای نگهبان. روزنامه جمهوری اسلامی نیز بدون کمک دفتر رهبری و حساب بانکی که در اختیار وی می باشد، نمی تواند روی پایش بایستد. این روزنامه، فعلاً متکی به این امکان مالی، نیازی به رقابت حرفه ای و خبری با روزنامه هائی نظیر "جامعه"، "همشهری" و... احساس نمی کند.

روزنامه "سلام" را می توان پر سابقه ترین روزنامه حکومتی، اما منتقد حکومت، در جمهوری اسلامی دانست. بی تردید، اگر کمک های دولتی و یا حمایت های مالی که در اختیار کیهان و جمهوری اسلامی است، در اختیار "سلام" بود و یا کارشکنی ها و فشارهای ارتجاع مذهبی و بازاری ها برای محروم ساختن سلام از همکاری افرادی نظیر "عباس عبدی" نبود، روزنامه سلام، امروز می توانست تیراژی بیش از ۲۰۰ هزار شماره داشته باشد. که گفته می شود، دارد! سلام از جمله روزنامه هائی است، که لطمه زیادی از سوی شبکه توزیع در شهرستانها می خورد. ورود روزنامه "جامعه" به صحنه مطبوعات داخل کشور، از "سلام" چهره ای محافظه کار را به نمایش گذاشته است، مگر جسارت "جامعه" به سلام نیز سرایت کرده و سدهای ممنوعه را در این روزنامه هم بشکند.

در کنار این روزنامه های شناخته شده و یا تازه تاسیس، اما دارای تیراژ و خواننده، از روزنامه های هفته نامه های دیگر نیز می توان و باید یاد کرد، که هرکدام به نوعی، در جامعه مطبوعاتی ایران نقش ایفاء می کنند. روزنامه ها و نشریات خبری و ارگانی، نظیر "قدس" وابسته به آستان قدس رضوی، "بنیاد" وابسته به بنیاد مستضعفان، "شما"، ارگان موتلفه اسلامی، "سپین" وابسته به روشنگران مذهبی، "آرزو ها" وابسته به جمعیتی که حجت الاسلام ریشهری سازمان داده، "ایران" وابسته به خبرگزاری رسی جمهوری اسلامی، "اخبار"، کارواگر و "یا عصر ما"، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی... و یا مجلاتی نظیر "زنان"، "ایران فردا"، "هاجر"، که همگی را می توان در طیف روشنگران مذهبی و در برابر ارتجاع مذهبی قرار داد؛ و یا نشریاتی نظیر "پیام صادق"، ارگان دانشگاه امام صادق و در واقع ارگان آیت الله مهدوی کنی، "شلمچه" و "گسارت" که در برابر جنبش مردم قرار داشته و از ارتجاع مذهبی-بازاری دفاع می کنند.

### دیگر مطبوعات غیر حکومتی

در این مرور فهرست گونه، اگر اشاره به برخی مطبوعات غیر وابسته به طیف مذهبی حکومتی و یا در حاشیه حکومت نشود، آینه تار مطبوعات، به تمام قد دیده شده است. نشریاتی نظیر "گزارش"، "جامعه سالم"، "گفتگو"، "فرهنگ توسعه" و دهها و دهها نشریه تخصصی، که عمدتاً با همت و یا با همکاری اهل قلم و روزنامه نویسان قدیمی انتشار می یابند، و در مجسوع خود، رویدادهای ایران، فارغ از گرایش های مذهبی بازتاب می دهند.

اطلاعیه "راه توده" پیرامون انتخابات میان دوره ای مجلس اسلامی و ضرورت اعلام انصراف کاندیداهای، برای مقابله همگانی و قطعی با شورای نگهبان را در همین شماره راه توده و بصورت ضمیمه دریافت دارید!